

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نیکولای مالیشوسکی \* (Nikolay Malishovskiy)

برگردان از: ا. م. شیری

۰۲ می ۲۰۱۳

## جنگهای امریکا و دستکاری شعور

مترجم مطلب حاضر، بنا به عادت همیشگی، آن را دستمایه خود قرار داده و روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی کارگران جهان را به همه کارگران و زحمتکشان میهن و جهان، به خلقهای تحت ستم همه مستعمرات، به مردم همه کشورها که زیر حملات نظامی- تروریستی، بمبارانها و انفجارهای کور امپریالیستی ضجه می کنند، به همه کنشگران و مبارزان راه آزادی بشریت از زیر یوغ ارتجاع سرمایه داری و با یقین به گسستن قریب الوقوع زنجیرهای پوسیده اسارت، تبریک و تهنیت عرض نماید.

کارگران و زحمتکشان همبستگی تان مستحکم تر باد!

\*\*\*

خبرنگار کانال تلویزیون امریکائی CNN، امبر لاین (Amber Lion)، در آخر ماه مارچ بیانیه مهیجی مبنی بر این که دستور پخش اخبار جعلی و مسدود کردن اطلاعات ناخوشایند برای دولت امریکا به کارکنان کانالهای تلویزیونی داده شده، صادر کرد. به گفته این خبرنگار، رسانه های امریکائی هم اکنون نیز اخبار را «همانطور که در مورد عراق اتفاق افتاد»، تحریف می کنند. از سوریه و ایران هیولا می سازند، اذهان اجتماعی را برای جنگ علیه این کشورها آماده می کنند...

امبرلاین اظهار داشت، که کارکنان CNN به ازای جعل اخبار از دولت امریکا حق الزحمه دریافت می کنند. او همچنین، نگرانی خود را از سر به نیست شدن خبرنگاران مستقل، که فعالیت آنها با خط مشی کاخ سفید همخوانی ندارد، اعلام کرد. بر اساس گزارشات خبری، آنها احتمالاً دستگیر شده و به اتهام تروریسم تحت شکنجه قرار گرفته اند.

واضح است، بهترین دروغها از نیمه حقیقت ساخته می شوند. در ساخت این محصول، هالیوود موفقیتهای ویژه ای کسب کرد. تاریخچه همکاری پنتاگون (وزارت جنگ امریکا) و هالیوود از سال ۱۹۲۷، از ساختن فلم صامت «بال» آغاز شد. امروز تشکیلات نظامی امریکا از هر وسیله ممکن برای کمک به «کارخانه رؤیاهای» استفاده می کند.

بر اساس قوانین امریکا، پنتاگون، مثل سازمان سیا، از حق تبلیغات در داخل کشور برخوردار نیست. با این وجود، راه گریز یافته اند. در سال ۲۰۰۱ کارشناس سیاسی شخصی رئیس جمهور امریکا، «ک. روف» با مدیران کمپانیهای تلویزیونی و استودیوهای سینمایی دیدار کرد. بیش از ۵۰ تن از مدیران ارشد «جهان تخیلات»، از جمله نمایندگان ABC, CBS, NBC, VNN, Fox, HBO، «کلمبیا پیکچرز»، «مترو گلدوین پایر»، «سونی پیکچرز»، «دریمورکس»، «فوکس قرن بیستم»، «اونیورسیال پیکچرز»، «وونر برادرز»، «پارامونت پیکچرز»، «ویاکوم» و سایرین در این دیدار حضور داشتند. «تشریک مساعی در مبارزه علیه تروریسم، سمت اصلی همکاری دولت امریکا با هالیوود در عرصه اطلاعات می باشد».

امریکائیهها برای نشر اخبار جعلی از طریق رسانه های خارجی، قبل از همه اروپائی (مثلا، رویترز و خبرگزاری فرانسه)، تا حداکثر ممکن کمک می کنند. به ویژه این که چند سال پیش نیویورک تایمز در گزارشی تأیید کرد که این ابتکار به شعبه تأثیرگذاری راهبردی، یعنی یگان ویژه کوچکی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در ساختار پنتاگون تشکیل گردید، تعلق دارد. وظیفه آن، استفاده از روشهای «سیاه» جنگ اطلاعاتی برای آماده سازی مخاطبان خارجی از راه نشر اطلاعات نادرست به وسیله خبرنگاران خارجی، به خصوص خبرنگاران «کشورهای دوست و متحد امریکا» می باشد.

جنگ در افغانستان و عراق، میدان آزمایش نه تنها جدیدترین تسلیحات امریکائی، حتی میدان کاربست پیشرفته ترین تکنولوژی دستکاری شعور بود. برای این منظور، به سفارش پنتاگون ویدئو فلمهای اغلب بر اساس الگوهای که تهیه کنندگان هالیوودی سازنده شوهای تلویزیونی و فلمهای سینمایی ارائه می دهند، ساخته می شود. «د. بروکهایمر»، تهیه کننده فلمهای جنگی معروف («سقوط عقاب سیاه»، «پرل هابر» و سایر) پیشآهنگ این کار بود. سریال تلویزیونی گویا مستند او با عنوان «تصاویری از جبهه» در خصوص سربازان امریکائی در افغانستان، در زمان خود از پشتیبانی وزیر دفاع (وزیر جنگ) امریکا برخوردار شد.

روزنامه انگلیسی ایندپندنت در سال ۲۰۰۶ گزارش داد، که دولت امریکا نه تنها از تولیدات سینمایی، حتی از اخبار جعلی تلویزیونی نیز وسیعاً استفاده می کند. از آن جمله، متخصصان سازمان غیرانتفاعی «مرکز مطبوعات و دمکراسی»، پس از زیر نظر گرفتن برنامه های ۷۷ کانالی تلویزیونی به مدت ۱۰ ماه، که بیش از نیمی از جمعیت امریکا آنها را می بینند، به این نتیجه گیری رسید که «کمپانیهای تلویزیونی امریکا برنامه های خبری خود را با ویدئوفلمهای پر می کنند، که توسط دولت و شرکتهای بزرگ ساخته شده اند... به خصوص این که سازندگان چنین فلمهای سفارشی، تولید اخباری را آموخته اند، که هیچ تفاوتی با گزارشهای منتشره از سوی نویسندگان مستقل ندارند».

در اینجا می توان یک برنامه تلویزیونی را که در زمان خود نقش عظیمی در جلب افکار عمومی امریکا برای حمایت از جنگ اول خلیج فارس بازی کرد، یادآوری نمود. در این برنامه، یک دختر ۱۵ ساله، به عنوان فراری از کویت می گوید، که کشتار ۱۵ نوزاد کویتی به دست سربازان عراقی در زایشگاه را به چشم خود دیده است. جالب است که مصاحبه با این دختر را تلویزیونهای امریکائی صدها بار نشان دادند. نام این دختر را که گویا خانواده اش در وطن مانده و خودش ممکن است به دست سربازان صدام حسین بیفتد، اعلام نکردند. برای درک مفهوم این برنامه، اضافه می کنیم، که در مدت ۴۰ روز تبلیغات جنگی، رئیس جمهور جورج بوش پدر، ۱۰ بار در باره قتل نوزادان صحبت کرد. در نهایت ثابت شد که دختر مصاحبه کننده در تلویزیون، نه فراری، بلکه، دختر سفیر کویت

در امریکا بوده است. علاوه بر آن، او از وابستگان خانواده سلطنتی حاکم بر کویت می باشد، همه خویشاوندان او ثروتهای هنگفتی در خارج دارند و در غرب مقیم هستند...

نیویورک تایمز حتی قبل از انگلیسی ها، در بهار سال ۲۰۰۵ پنتاگون و دولت امریکا را به انتشار سوژه های سفارشی در کانالهای تلویزیونی امریکا متهم کرد. به گزارش رسانه های جمعی امریکا، این نوع موضوعات سفارشی را که همچون گزارشات خبری به نظر می رسند، در مجموع، ۲۰ نهاد دولتی آماده می کنند. بنا به گزارش نیویورک تایمز، پنتاگون و دفتر ثبت احوال امریکا «صدها گزارش خبری این چینی را جعل کرده و منتشر نمودند». در یکی از این نوع فلمهای خبری گفته می شد که «مردم آزاد شده عراق از دست رژیم صدام حسین» با فریادهای «متشکریم بوش! متشکریم امریکا!» از سربازان امریکائی استقبال می کردند. اما تحقیقات بعدی نشان دادند که سازنده «قهرمان» این فلم (از قضا، امریکائی اصیل) آن را نه در بغداد، بلکه در کانزاس سیتی ساخته است...

باز هم چند نمونه دیگر. در زمان جنگ در اوستیای جنوبی، خبرنگاران کانال تلویزیونی «راشا تو دی» (روسیه امروز) در شهر تسخینوالی، تصاویر جعلی کانال CNN دایر بر ویران شدن شهر گوری را فاش کردند. همچنین، در جنگ اطلاعاتی علیه روسیه در ماه اگست سال ۲۰۰۸، خبرگزاری رویترز از تصاویر ساختگی استفاده می کرد. در هر دو تصویر (پائین) یک «مرد مرده» در دو حالت مختلف و در دو مکان متفاوت ترسیم شده است. مرد دوم (یک مرد دیگر، در هر دو تصویر)، در تصویر اول، با لباس سیاه، ایستاده در کنار جسد تظاهری و در تصویر دوم، نیمه برهنه، شلوار جینس برنگ دیگر بر تن، ولی نشسته و گریه می کند، در ضمن، چون «متوفی» شلوارش را عوض نکرد، خود را با روانداز پوشاند...

گروه های ویژه متشکل از چنین «مردگان سیار» یکی از اصلی ترین نقشها را در جنگ اطلاعاتی علیه لیبیا بازی کردند. متناسب با اوضاع، آنها در خیابانهای شهرهای قطر یا ترکیه، گاهی در نقش «قربانیان رژیم قذافی»، زمانی دیگر، در نقش «شورشیان قهرمان» در مقابل دوربینهای خبرنگاران غربی قرار گرفتند. پس از لیبیا، «مردگان زنده» از سوریه، این بار در نقش «قربانیان رژیم اسد» سر درآوردند. در اینجا تصاویری از گزارشات مختلف، «گزارشات» بسیار خوب کارگردانی شده از سرکوبی های «رژیم سرکوبگر سوریه» در حمص را، که در واقع یکی هستند، می بینید (لطفاً، تصاویر مربوط به این مطلب را در پیوند اصلی یا در وبلاگ مترجم ببینید). قهرمان اصلی آنها، همان شخص «متوفی»، فلسطینی، بنام خالد ابو صالح است. او در سوریه (و نه تنها در سوریه) بعنوان یکی از کنشگران پیشرو تبلیغات اپوزیسیون شناخته می شود...

همانطور که مدیر اداره اطلاعات وزارت دفاع امریکا، «ت. ویلسون» در سال ۲۰۰۲ اظهار داشت، جنگهای آینده در راه جهانی سازی، مساوی با امریکائی سازی، پیش برده خواهد شد، و هدف اصلی آن، ترویج ارزشهای امریکائی است. به عبارت ساده تر، حتی هر تهدید علیه تصور امریکائی از نظم نوین جهانی، به یک دلیل برای شروع جنگها بدل خواهد شد.

بالاخره، نتایج شگفت انگیز نظرسنجی به عمل آمده از شهروندان امریکا در ماه اگست سال ۲۰۰۳ در رابطه با جنگ عراق را می توان یادآوری نمود. آن وقتها ۶۹ درصد نظردهندگان به باور خود مبنی بر این که صدام حسین شخصاً در حملات تروریستی ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ شرکت داشته، اعلام کردند. و این در حالی بود که کاخ سفید حتی یک مدرک دال بر رابطه عراق و «القاعده» که بنا به بیانات رسمی حملات را انجام داد، ارائه نداد. آیا این بدان معنا نیست که هر برنامه دلخواه را، هر مزخرفی را می توان به انسان غرب قبولاند؟ معلوم است، که بله. و

اما آخری، به خصوص تأییدیه هشدار دهنده: از اواخر ماه جنوری سال ۲۰۱۳ رسانه های جمعی غرب با افسانه های دلخراش در باره گرسنگان کوریای شمالی، که گویا کودکان و اجساد نزدیکان خود را از قبر بیرون می کشند و می خورند، پر شد. واشنگتن پست، ساندی تایمز، ایندپندنت، دیلی میل بطور جدی در این خصوص می نویسند... مفسران هم معتقدند، که همه اینها افسانه «نوزدان تکه- پاره شده کویت به دست سربازان عراقی» را که پیش در آمد جنگ ۱۹۹۱ خلیج بود، یادآوری می کند...

### یادآوری چند نکته در ارتباط با همین مطلب:

**نکته اول-** تحلیلگران و محققان بلوک شرق سابق، به خصوص روس زبان، حقه بازیها، صحنه سازیها، نشر اخبار جعلی و اکاذیب، توطئه ها و دسایس غرب، به ویژه امپریالیسم امریکا در کشورهای مختلف را بسیار مستدل و مستند بررسی و افشاء می کنند. اما، جای تعجب این است که اغلب آنها در ارتباط با مصایبی که غرب، به خصوص امریکا با کاربرد همین روشهای فوق الذکر، بیست و اندی سال پیش، بر سر خلقها و کشورهای خودشان آوردند، علی رغم این که عمدتاً شاهد عینی آن حوادث و یکه تازی «شورشیان انقلابی» بوده اند، سکوت می کنند.

**نکته دوم-** روش استفاده از «مردگان سیار» و «ناجیان بشردوست» در ایران نیز در حوادث بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در خرداد ماه [جوزا] سال ۱۳۸۸ به کار گرفته شد. از جمله آنها، می توان «قتل» نداء آقاسلطان در یک خیابان خلوت دور از محل اعتراضات، قهرمان سازی او و ورود مشکوک یک دانشجوی مشغول به تحصیل علم طب در انگلیس بنام آرش حجازی یک روز پیش از حادثه به ایران، مشاهده تیر خوردن ندا خانم از پنجره، اقدام سریع ولی «بی سرانجام» برای نجات «مقتول» و بالاخره، بازگشت فوری وی به لندن و مصاحبه با کمپانی دروغپراکنی بی بی سی را یادآوری کرد.

**نکته سوم-** مترجم سطور فوق بر این باور است که همه بشریت جهان به استثنای عد، کم شمار کودکانها و ساده لوحان، حتی مغرضان، مداحان و پیروان سیاستهای غرب امپریالیستی تردید ندارند که تمام جنگهای امریکا از ابتداء پیدایش تا روز امروزی که در اقصا نقاط عالم درگیر جنگهای مرئی و نامرئی، تروریستی- نیابتی، استعماری- اشغالگرانه بر مبنای شیادی، حوادث ساختگی و از قبل برنامه ریزی شده، حقه بازی، فریبکاری، دستکاری اذهان عمومی، زورگوئی و باجگیری، توطئه و دسیسه و غیره به وقوع پیوسته است. با این درک، این سؤال پیش میآید، پس چگونه است که نیروهای آگاه، مطلع و مترقی جهان تاکنون نتوانسته اند جلوی ترک تازی امپریالیسم هار امریکا را بگیرند؟ به نظر می رسد این موضوع علل متعددی دارد که اهم آنها عبارت است از:

- سلطه روحیات تسلیم طلبی و عافیت خواهی بر جوامع انسانی؛

- ناتوانی آگاهان، قبل از هر چیز، در توضیح و تشریح دغلکاریهای غرب و امریکا؛

- گریز از مبارزه سازمانیافته و رشد فردگرائی؛

- سقوط و انحطاط عقلانیت و شعور اجتماعی؛

- ولنگاری، بی مسؤولیتی و بی اعتنائی نسبت به سرنوشت انسان و کشور؛

- بخشی از نیروهای انقلابی جهان، توطئه، دسیسه، زورگیری، فریبکاری، شیادی، باج خواهی و، جعل اخبار و نشر اکاذیب، ایجاد حوادث با برنامه قبلی مثلاً: حوادث خلیج نونکن و خوکها، یا حادثه ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ و حادثه انفجار منجر به مرگ سه نفر در هفته گذشته در بوستون ... را نتیجه برنامه ریزی علمی و عمل عقلانی می شمارند و طراحان و مبتکران این روشها و حوادث را عقلاء تصور می کنند که خود این، بخش اعظم نیروهای

پیشرو جامعه را از مبارزه قاطع علیه امپریالیسم باز می دارد و آنها را خواه ناخواه به تأیید سیاستها و برنامه های «علمی عقلاء» و حقانیت بخشیدن به «پیروزیهای» امریکا (کشتار میلیونی خلقها، اشغال، ویرانی و غارت کشورها) وامی دارد.

• همه عبارات به رنگ آبی در متن اصلی، از مترجم است.

مترجم

\* نامزد دکترای علوم سیاسی

<http://www.fondsk.ru/news/2013/04/04/vojny-usa-i-manipuljacija-soznaniem-19882.html>

۱۰ اردیبهشت- ثور ۱۳۹۱